



پایگاه اطلاع رسانی دفتر منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی





شماره: ۶۱

عنوان: نهضت بازگشت به اسلام و جهانی سازی

نویسنده: مهدی رضوی

تاریخ: ۱۳۹۶/۱۱/۲۷

توجه: دیدگاه درج شده دیدگاه ارسالی توسط یکی از کاربران است و لزوماً دیدگاه این دفتر محسوب نمی شود.



پایگاه اطلاع رسانی دفتر منصوب به اشعری خراسانی حفظه الله تعالی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



﴿وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ﴾

«و در زبور پس از تورات نوشتیم که زمین را بندگان شایسته‌ی ما به ارث خواهند برد».

واژه‌ی جهانی (Global) از چهارصد سال پیش و اصطلاحاتی همچون جهانی شدن (Globalization)، جهانی‌سازی (Globalizing) و جهانی‌گرایی (Globalism) از دهه‌ی ۱۹۶۰ در متون علمی و ادبی به کار گرفته شدند. در زبان عربی نیز کلمات «العولمة» و «الکوکبة» معادل جهانی شدن یا جهان‌گرایی ترجمه شده‌اند که عمدتاً کلمه «العولمة» مورد استفاده قرار می‌گیرد.

شاید واژه‌هایی همچون جهانی‌سازی و جهانی شدن را زیاد شنیده باشیم. کشورها و ملت‌ها در حال جهانی شدن هستند. در واقع کشورها و ملت‌ها در حال یکی شدن یا به اصطلاح وحدت هستند. محو شدن مرزهای جداکننده‌ی جهان و حرکت تدریجی

کشورها به سوی نوعی همگنی یا هم‌گونگی، بیش‌تر در عرصه‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی که در واقع می‌توان آن را نوعی حرکت از کثرت به وحدت دانست، جهانی شدن گفته می‌شود. در جهانی شدن نوعی تابع بودن نهفته است. در کنار این واژه مفهوم دیگری به نام جهانی‌سازی داریم که در پشت آن اراده یا برنامه‌ای وجود دارد. برخی مکاتب مثل لیبرال دموکراسی غربی و یا سوسیالیسم و ... به دنبال جهانی‌سازی بوده‌اند و برای این امر، راهکارها و برنامه‌هایی را ارائه نمودند. در کنار این مکاتب بشری، ادیان الهی نیز بر مبنای جهان‌بینی توحیدی، به دنبال جهانی‌سازی بوده‌اند و از میان آن‌ها، دین مبین اسلام دارای بهترین راهکار و برنامه برای این منظور است. البته با توجه به اینکه در دین مبین اسلام مذاهب و مکاتب مختلفی پدید آمده، قرائت‌های مختلفی از این راهکار و برنامه ارائه شده که نوعاً مبتنی بر برداشت‌های ظنی از اسلام بوده است.

امروزه نهضت بازگشت به اسلام به رهبری عالم مجاهد حضرت علامه منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی با تأکید بر مسلم‌ت و یقینیات اسلامی و با محور قرار دادن زمینه‌سازی برای ظهور آخرین خلیفه‌ی رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم یعنی امام مهدی علیه السلام که مورد قبول همه‌ی مسلمانان جهان است، پرچمدار جهانی‌سازی راستین بر مبنای دین مبین اسلام است.

دین مبین اسلام با هدف هدایت همه‌ی مردم روی زمین به سوی عدالت و سعادت تشریح شده و مأموریت رسول خدا و خلفای ایشان وحدت همه‌ی ملت‌ها بر مبنای توحید بوده است؛ چنانکه خداوند بزرگ می‌فرماید: **﴿قُلْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ جَمِيعًا﴾**^۱؛ «بگو ای مردم! من پیامبر خدا به سوی همه‌ی شما هستم». این در حالی است که اسلام تنوع زبان‌ها، رنگ‌ها و نژادها را به رسمیت می‌شناسد؛ چنانکه خداوند بزرگ می‌فرماید: **﴿وَمِنْ آيَاتِهِ خَلْقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافَ أَلْسِنَتِكُمْ وَاللُّوَانِكُمْ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّلْعَالَمِينَ﴾**^۲؛ «و از نشانه‌های [قدرت] او آفرینش آسمان‌ها و زمین و اختلاف زبان‌های شما و رنگ‌های شماست قطعاً در این برای دانشوران نشانه‌هایی است».

از آنجایی که محوریت امور در اسلام خالص و کامل بر مبنای خلیفه‌ی خداوند است،

۱. الأعراف / ۱۵۸

۲. الزوم / ۲۲

لذا حضرت علامه خراسانی حفظه الله تعالی مبنای اصلی نهضت خود را دعوت مردم به سوی خلیفه‌ی خدا در این زمان یعنی امام مهدی علیه السلام قرار داده و در تلاش برای دعوت مردم از سراسر جهان به زمینه‌سازی برای ظهور ایشان است؛ چنانکه خود در این مورد می‌فرماید:

«بی‌گمان آنچه وعده داده شده‌اید راست است و آنچه انتظار می‌برید واقع می‌شود، هنگامی که شماری کافی از شما برای آن قیام کنند و برخی‌شان به برخی دیگر پیوندند، تا کسی که بر جان خود بیمناک است ایمن شود و کسی که خود را ناتوان می‌یابد توانا. مقصود من از این حرکت، زمینه‌سازی برای حکومت مهدی است. مقصود من، امر به معروف و نهی از منکر است. پس من را برای رسیدن به مقصودم یاری کنید، باشد که خداوند از شما خشنود شود و گناهایی که دست‌ها تان پیش فرستاده است را بیامرزد، هنگامی که دعوت من به سوی او را اجابت می‌کنید و از دور و نزدیک به نزد من می‌شتابید، تا دین همه‌اش برای او باشد و ملکوتش بر زمین آید و نامش تا ابد تقدیس شود.»^۱

نهضت جهانی‌سازی اسلامی با هدف ظهور امام مهدی علیه السلام همچون کاروانی است که از شرق جهان اسلام به راه افتاده و با سرعت در حال حرکت است و کسی را یارای متوقف کردن آن نیست. این نهضت به سرعت در حال همگون کردن و یکپارچه کردن ادیان، مذاهب و مکاتب گوناگون بر مبنای حکومت خداوند واحد است و به سمت وحدت جامعه‌ی جهانی پیش می‌رود. عامل اصلی چنین وحدتی، عقل سلیم است که در همه‌ی انسان‌های آزاداندیش و عدالت‌طلب وجود دارد و این نهضت عقلانی آن را معیار شناخت و حلقه‌ی اتصال آن‌ها به یکدیگر می‌داند.

با توجه به وضعیت امروز جهان و افزایش ظلم‌ها و بی‌عدالتی‌ها و وجود ناامیدی در بین انسان‌ها، نیاز روز افزون به برقراری عدالت و اخلاق در سراسر جهان بیش از هر زمان دیگری احساس می‌شود. حکومت عدل امام مهدی علیه السلام خطّ بطلانی بر انواع حکومت‌ها، نظریات، برنامه‌ها و طرح‌های ارائه شده در عرصه‌ی جهانی توسط مکاتب و نظریه‌پردازان مختلف است؛ چراکه امروزه تمام این نظریه‌ها و حکومت‌ها امتحان خود را پس داده‌اند و مردم کم یا بیش به پوچی،

ضعف و بطلان آن‌ها آگاه شده‌اند، اگر چه هنوز به طور کامل به ضرورت و اهمیت زمینه‌سازی برای ظهور امام مهدی علیه السلام پی نبرده‌اند. از این رو، نهضت مبارک بازگشت به اسلام به رهبری عالم فرزانه جناب منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی به دنبال این آگاه‌سازی است.

برای ایجاد جهانی‌سازی بر مبنای حاکمیت امام مهدی علیه السلام باید تمامی حاکمیت‌های دیگر نفی شوند و مردم از روی علم و عقل و آگاهی، وضعیت اسفبار موجود را درک کرده و برای رسیدن به وضعیت مطلوب آماده شوند. به همین دلیل، حضرت علامه خراسانی دلسوزانه به مردم هشدار می‌دهد و می‌فرماید:

«اینک گوش‌های خود را فراز آورید تا بشنوید؛ زیرا من ندا دهنده‌ای از مکانی نزدیک هستم که ندا می‌دهم: ای مردمان! آیا زمان آن نرسیده است که به اصل خویش باز گردید؟! آیا زمان آن نرسیده است که عهد خدا با پدرتان آدم را به یاد آورید؟! آیا زمان آن نرسیده است که امانت را به صاحبش رد کنید و حکومت را به اهلش باز گردانید؟! آیا هنوز هم به این حکومت‌های رنگ به رنگ امیدی دارید؟! آیا هنوز هم می‌پندارید اگر به جای زید، عمرو بر سر کار بیاید، کار سامان می‌یابد؟! چه بسیار عمروهایی که به جای زیدها بر سر کار آمدند و کار سامان نیافت؛ چرا که سامان کار از جایی دیگر بود و شما غافل بودید! پس تا به کی به امید این و آن خواهید نشست و پرچم این و آن را افراشته خواهید داشت؟! تا به کی خویش را دلیل خواهید کرد و دست‌بوس این و آن خواهید بود؟! تا به کی وعده‌های دروغین، شما را خام خواهد ساخت و آرزوهای دراز، شما را بازی خواهد داد؟! تا به کی مانند خرهای آسیاب، به گرد یک محور خواهید چرخید و توهم پیش‌رفت خواهید کرد؟! هان، ای مردم! چگونه است که هزاران سال، پشت خود را به هر حیوان ناقصی داده‌اید و دست خود را به انسان کامل نداده‌اید؟! چگونه است که هزاران سال، هر رطوبتی را مکیده‌اید و دریای شیرین را رها کرده‌اید؟! چگونه است که هزاران سال، در پی هر سرابی دویده‌اید و در پی آب گوارا گامی برنداشته‌اید؟! آیا به خود نخواهید آمد و به سوی اصل باز نخواهید گشت؟! آیا از خواب بیدار نخواهید شد و این کابوس به پایان نخواهد رسید؟! آیا از تاریکی بیرون نخواهید آمد



و این شام سیه سحر نخواهد داشت؟! آیا از مستی به هوش نخواهید آمد و این گیجی از سر نخواهد رفت؟! آیا چشم نگشوده ناگاه تکان نخواهید خورد و بر پا نخواهید ایستاد؟! آیا سر خویش را بالا نخواهید آورد و جز پیش پای خویش را نخواهید دید؟! ... پس آیا حکومتی جز حکومت خداوند می‌جوئید؟! در حالی که عدالت تنها در حکومت خداوند است؛ حکومتی که به دست خلیفه‌ی مهدیش تحقق می‌یابد نه به دست غیر او و خلفا و شاهان و فقیهان در این امر با هم برابرند، جز آنکه در شیوه‌ی ظلم تفاوت دارند و برخی بیش از برخی دیگر ستم می‌کنند؛ مانند قاتلانی که همگی می‌کشند، جز آنکه برخی خفه می‌کنند و برخی سر می‌برند و برخی سم می‌نوشانند! به سخنم گوش فرا دارید؛ زیرا سخنی بهتر از این نخواهید شنید: دنیای شما جز با عدالت اصلاح نمی‌شود و آخرت شما جز با عدالت سامان نمی‌پذیرد و عدالت جز با حکومت مهدی امکان نمی‌یابد و حکومت مهدی جز با همیاری شما شکل نمی‌گیرد، ولی بیشتر شما نمی‌دانید!»^۱

این حرکت اصیل با تمام توان ادامه خواهد یافت تا مردم نسبت به این امر حیاتی آگاه شوند و نیاز خود به آن را درک کنند و با آغوش باز و از روی تشنگی پذیرای حکومت عدل جهانی امام مهدی علیه السلام گردند. در نهضت بازگشت به اسلام، هدف زمینه‌سازی برای ظهور امام مهدی و برقراری حکومت عدل جهانی توسط ایشان است؛ لذا علامه منصور خراسانی چنین می‌فرماید:

«آیا می‌پندارید که در غیاب او (مهدی)، عدالت را خواهید دید و به شکوفایی خواهید رسید؟! یا می‌پندارید که در غیاب او، امنیت خواهید داشت و خوشبخت خواهید شد؟! نه به خدا سوگند، سپس نه به خدا سوگند؛ بلکه این آرزو را با خود به گور خواهید برد، همچنانکه گذشتگان آن را با خود به گور بردند! زیرا خداوند در غیبت گماشته‌اش خیری قرار نداده و در حکومت غیر او برکتی نیافریده است!»^۲

البته همان طور که گفته شد، بسیاری از مکاتب و ایدئولوژی‌ها، مدعی جهانی‌سازی هستند. انسان‌محوران، سکولارها، حس‌گرایان، ماده‌گرایان،

۱. نامه‌ی ۱۴

۲. گفتار ۱

طرفداران لیبرال دموکراسی و حتی سوسیالیست‌ها و ... همه مدعی هستند که بر اساس مبانی خود می‌توانند جهانی‌سازی را به سرانجام برسانند، اما نکته‌ی اساسی این است که در تمامی این مکاتب و ایدئولوژی‌ها خداوند در محور امور نیست و لذا بر اساس مبانی اسلامی قطعاً محکوم به شکست خواهند بود. این مکاتب عمدتاً عواملی را به عنوان عوامل وحدت‌آفرین معرفی کرده‌اند که در واقع عامل وحدت نیستند، بلکه خود عامل تفرقه و تکثر هستند. این در حالی است که خداوند بزرگ پیروزی نهایی حق بر باطل و غلبه‌ی اسلام بر همه‌ی مکاتب و ادیان را بشارت داده است؛ چنانکه فرموده است: ﴿هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظَاهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَكَفَىٰ بِاللَّهِ شَهِيدًا﴾^۱؛ «اوست کسی که پیامبر خود را با هدایت و آیین درست روانه ساخت تا آن را بر تمام ادیان پیروز گرداند و گواه بودن خدا کفایت می‌کند» و فرموده است: ﴿وَقُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا﴾^۲؛ «و بگو حق آمد و باطل نابود شد آری باطل همواره نابودشدنی است».

مبانی اصیل اسلامی به دلیل کامل و جامع بودن و اینکه مطابق با فطرت انسانی هستند و به دلیل اینکه مبنای آن‌ها اصل توحید است، بهتر از هر مکتب دیگری در جهانی‌سازی مؤثر هستند.

مهم‌ترین ویژگی‌های اسلام برای جهانی‌سازی عبارتند از:

دعوت به توحید

توحید اعتقاد به یگانگی خداوند در ذات و صفات و افعال است و اعتقاد به خداوند به صورت فطری در همه‌ی انسان‌ها وجود دارد. یاد و نام او سبب آرامش دل‌ها و سبب وحدت قلوب است. حضرت علامه منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی در کتاب شریف بازگشت به اسلام، توحید را عامل وحدت و دارای سه بعد معرفی نموده‌اند: توحید در تکوین، توحید در تشریح و توحید در تحکیم^۳. بر این اساس، محوریت خداوند برای همه‌ی انسان‌ها خود مهم‌ترین عامل وحدت و یکپارچگی و جهانی‌سازی است. بر خلاف سایر مکاتب که عوامل مختلفی مثل انسان یا

۱. الفتح / ۲۸

۲. الإسراء / ۸۱

۳. نگاه کنید به: بازگشت به اسلام، ص ۲۵۴ تا ۲۶۴.

محسوسات یا اکثریت یا تکثرگرایی یا توده‌گرایی و غیره را عامل وحدت دانسته‌اند که قطعاً خود آن‌ها یا مخلوق یا معلول و یا موقتی و غیر پایدار هستند. با این وصف، بنا بر مبانی اصیل اسلامی در خلقت خداوند و در قوانین تنظیم شده و در تعیین حاکم، نوعی وحدت و یکپارچگی وجود دارد که همگی توسط خداوند احد و واحد تنظیم و جعل شده‌اند. لذا این اصل که منطبق بر فطرت همه‌ی انسان‌هاست خود مهم‌ترین عامل وحدت و یکسان‌سازی و جهانی‌سازی است.

در اسلام هدف این است که بر اساس اصل توحید همه‌ی اختلافات و جدایی‌ها که به نام‌های مختلف پدید آمده‌اند، از بین برود و وحدت، همدلی و یکپارچگی میان انسان‌ها پدید آید؛ چنانکه خداوند بزرگ در مورد ضرورت وحدت میان مسلمانان با اهل کتاب حول اصل توحید چنین فرموده است: **﴿قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا وَلَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُولُوا اشْهَدُوا بِأَنَا مُسْلِمُونَ﴾**^۱؛ «بگو ای اهل کتاب! بیایید به سوی کلمه‌ای که میان ما و شما مشترک است و آن اینکه جز خداوند را نپرستیم و چیزی را با او شریک نسازیم و برخی‌مان برخی دیگر را اربابی جز خداوند نگیرند»^۲.

شناخت خداوند بزرگ و ایمان به او و پرهیزکاری برای او سبب ایجاد وحدت و یکپارچگی مردم و نزول برکات و رحمت‌های الهی می‌شود، در صورتی که فراموش کردن خداوند سبب زوال و تشتت می‌شود؛ چنانکه خداوند بزرگ فرموده است: **﴿وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَلَكِن كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُمْ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ﴾**^۳؛ «و اگر مردم شهرها ایمان آورده و به تقوا گراییده بودند، قطعاً برکاتی از آسمان و زمین برایشان می‌گشودیم ولی تکذیب کردند پس به [کیفر] دستاوردهشان [گریبان] آنان را گرفتیم».

نکته‌ی اساسی که نهضت بازگشت به اسلام بر آن تأکید دارد، توحید در تحکیم و پذیرش حق حاکمیت خلیفه‌ی منصوب از جانب خداوند بزرگ است که این مهم نشان‌دهنده‌ی توحید حقیقی و خالص است؛ زیرا مسلمانان در زمینه‌ی توحید در تکوین و تشریح نسبت به توحید در تحکیم اختلاف کمتری دارند. بر این اساس علامه منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی چنین می‌فرماید:

۱. آل عمران / ۶۴

۲. نگاه کنید به: پرسش و پاسخ ۳۱۲.

۳. الأعراف / ۹۶

«خداوند را چنانکه سزاوار است نشناختند، هنگامی که حاکمانی جز او اختیار کردند و به احکامی جز احکام او گردن نهادند و درباره اش چیزی گفتند که به آن دانشی نداشتند، هنگامی که گفتند: خداوند ما را به این فرمان داده است، در حالی که خداوند به شرک فرمان نمی‌دهد، ولی آنان بر او دروغ بسته‌اند.»^۱

دعوت به عقل‌گرایی

دعوت به عقلانیت و عقل‌گرایی از مهم‌ترین ویژگی‌های اسلام راستین است. حضرت علامه منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی در کتاب شریف بازگشت به اسلام و در مبحث معیار شناخت بر اهمیت عقل و عقل‌گرایی تأکید نموده‌اند.^۲ از آنجایی که عقل دارای وحدت و بدهت است، لذا خود سبب وحدت و یکپارچگی مسلمانان و همه‌ی انسان‌های آزاداندیش و عدالت‌طلب می‌شود که این خود گامی مهم در جهت تفاهم و جهانی‌سازی است.

اهمیت عقل در اسلام به قدری است که کسانی که عقل را به کار نمی‌برند به عنوان بدترین مخلوقات معرفی شده‌اند؛ چنانکه خداوند بزرگ فرموده است: **﴿إِنَّ شَرَّ الدَّوَابِّ عِنْدَ اللَّهِ الصُّمُّ الْبُكْمُ الَّذِينَ لَا يَعْقِلُونَ﴾**^۳؛ «قطعاً بدترین جنبنندگان نزد خدا کران و گنگانی هستند که نمی‌اندیشند». عقل‌گرایی از نظر اسلام سبب وحدت و یکپارچگی است و عدم آن سبب زوال و تشتت است؛ چنانکه خداوند بزرگ فرموده است: **﴿لَا يَقَاتِلُونَكُمْ جَمِيعًا إِلَّا فِي قُرَىٰ مُحَصَّنَةٍ أَوْ مِنْ وَرَاءِ جُدُرٍ بَأْسُهُمْ بَيْنَهُمْ شَدِيدٌ تَحْسَبُهُمْ جَمِيعًا وَقُلُوبُهُمْ شَتَّىٰ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَعْقِلُونَ﴾**^۴؛ «[آنان به صورت] دسته‌جمعی جز در قریه‌هایی که دارای استحکاماتند یا از پشت دیوارها با شما نخواهند جنگید؛ جنگشان میان خودشان سخت است آنان را متحد می‌پنداری و [لی] دل‌هایشان پراکنده است؛ زیرا آنان مردمانی اند که نمی‌اندیشند».

نهیضت بازگشت به اسلام به عنوان یک نهضت اصیل تلاش دارد تا عقلانیت را در میان مردمان نهادینه نماید؛ زیرا با رشد عقلی و فکری مردم بسیاری از موانع شناخت

۱. نامه‌ی ۱۲

۲. نگاه کنید به: ص ۱۹ تا ۳۴.

۳. الأنفال / ۲۲

۴. الحشر / ۱۴

بر طرف خواهد شد. حضرت علامه خراسانی در مورد ضرورت و اهمیت عقل‌گرایی به یکی از یاران‌شان چنین توصیه می‌فرماید:

«...عقل را در همه‌ی کارهای خود به کار بگیر و هیچ‌گاه عادت یا احساس یا تقلیدی بر تو دربارهی آن چیرگی نیابد! و فرمود: از روی عقل عمل کن تا عامل شمرده شوی و از روی عادت یا احساس یا تقلید عمل نکن؛ زیرا کسی که از روی این چیزها عمل می‌کند عملش مانند خاکستری در روزی توفانی است که چیزی از آنچه کسب کردند برایشان نمی‌ماند! همانا خداوند بلند مرتبه می‌فرماید: ﴿وَقَدِمْنَا إِلَىٰ مَا عَمِلُوا مِنْ عَمَلٍ فَجَعَلْنَاهُ هَبَاءً مَّنْثُورًا﴾^۱؛ >و به سراغ عملی که انجام دادند می‌آییم، پس آن را به ریزگردی پراکنده تبدیل می‌کنیم.<^۲»

پرهیز از قوم‌گرایی، مذهب‌گرایی، فرقه‌گرایی و نژادپرستی

اسلام، دینی جهانی است و تمامی قوانین و احکام و دستورات آن بر اساس حاکمیت جهانی استوار است، لذا از هرگونه عصبیت قومی و قبیله‌ای و مذهبی و رنگی و نژادی و ملی و فرقه‌ای به دور است. خداوند بزرگ در این رابطه چنین می‌فرماید: ﴿وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ﴾^۳؛ «و در زبور پس از تورات نوشتیم که زمین را بندگان شایسته ما به ارث خواهند برد». در این آیه‌ی شریفه، از زمین نام برده شده نه از منطقه یا ملیت و یا کشور خاصی و همچنین از صالحان نام برده شده که وارثان زمین خواهند بود نه از رنگ یا نژاد یا ملیت یا طبقه‌ی خاصی که این دلیل بر این است که اسلام بر وحدت و یکپارچگی انسان‌ها بر اساس ایمان و عمل صالح تأکید دارد. همچنین خداوند بزرگ، رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم را رحمتی برای همه‌ی جهانیان معرفی نموده است، نه برای قشر و گروه خاصی؛ چنانکه فرموده است: ﴿وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ﴾^۴؛ «و تو را جز رحمتی برای جهانیان نفرستادیم».

در اسلام صحبت از امت واحد به میان آمده است. امت واحد چیزی فراتر از نژاد

۱. الفرقان / ۲۳

۲. گفتار ۴

۳. الأنبياء / ۱۰۵

۴. الأنبياء / ۱۰۷

ورنگ و زبان و قوم و قبیله و ملیت است. در واقع امت چیزی غیر از مفهوم ملت است. ملت مجموعه‌ای از افراد هستند که به واسطه‌ی اشتراک در برخی عوامل نظیر نژاد، سرزمین، زبان، فرهنگ و تاریخ عقاید و جهان‌بینی، به هم پیوند خورده و احساس تعلق و هویت مشترک دارند. اسلام از آن جهت که دینی جاودانی و جهان‌شمول است و جامعه‌ی بشری را مخاطب خویش می‌داند، بدون توجه به مرزهای سرزمینی و تفاوت‌های نژادی، زبانی، ملی و فرهنگی از میان همه انسان‌ها سربازگیری می‌کند و نام امت واحده را بر پیروان خویش می‌نهد. این مفهوم به کلی با مفهوم شهروندی که افراد را به دولت حاکم در یک سرزمین معین مرتبط می‌سازد متفاوت است. خداوند بزرگ چنین می‌فرماید: **﴿إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُونِ﴾**^۱؛ «این است امت شما که امتی یگانه است و منم پروردگار شما پس مرا پرستید» و در مورد ضرورت وحدت و یکپارچگی و عدم تشّتت فرموده است: **﴿وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا﴾**^۲؛ «و همگی به ریسمان خدا چنگ زنید و پراکنده نشوید» و در مذمت کسانی که اقوام دیگر را مسخره می‌کنند می‌فرماید: **﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَسْخَرُ قَوْمٌ مِنْ قَوْمٍ عَسَىٰ أَنْ يَكُونُوا خَيْرًا مِنْهُمْ﴾**^۳؛ «ای کسانی که ایمان آورده اید نباید قومی قوم دیگر را ریشخند کند شاید آنها از اینها بهتر باشند».

نهضت بازگشت به اسلام با هر گونه قوم‌گرایی یا ملیت‌گرایی یا نژاد پرستی مخالف است و لذا این خود عاملی مهم در زمینه‌ی وحدت و جهانی‌سازی حول مبانی اصیل اسلامی است. بر این اساس علامه منصور هاشمی خراسانی در کتاب شریف بازگشت به اسلام، تعصّب را یکی از موانع شناخت حق معرفی کرده است و چنین می‌فرماید:

«یکی دیگر از موانع شناخت، «تعصّب» است. منظور از تعصّب، نوعی وابستگی قومی، مذهبی یا سیاسی است که مبنای عقلی ندارد و مانع از انصاف در شناخت واقع است؛ به این ترتیب که متعصّب، قوم یا مذهب یا گروه خود را قطع نظر از خوب یا بد بودن آن، به نحوی دوست می‌دارد که قادر به شناخت خوب یا بد بودن آن بر مبنای عقل نیست. در چنین حالتی، اگر قوم یا مذهب یا گروه دیگری، بر مبنای عقل، از قوم یا مذهب یا گروه او برتر باشد، او حاضر به قبول برتری آن نیست؛ بلکه بای انصافی،

۱. الأنبياء / ۹۲

۲. آل عمران / ۱۰۳

۳. الحجرات / ۱۱

بر برتری قوم یا مذهب یا گروه خود پای می فشارد و واقعیت را نادیده می گیرد.^۱

از همین روست که حضرت علامه منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی در جایگاهی فرا ملی و فرا مذهبی قرار گرفته است و با طرح گفتمانی مشترک و تکیه بر عقلانی ترین و یقینی ترین منابع اسلامی، همه‌ی مسلمانان جهان را به سوی آرمانی مشترک و قابل قبول دعوت می کند. ایشان با طرح شعار «بازگشت به اسلام» و دعوت همه جانبه و گسترده‌ی همه‌ی مسلمانان جهان به سوی شناختی واحد از اسلام به عنوان مبنایی استوار برای اتحاد و کنار گذاشتن اختلافات موجود، همه‌ی مسلمانان جهان از همه‌ی مذاهب را مخاطب ساخته و این گونه زمینه را برای اقامه‌ی اسلام خالص و کامل در جهان فراهم می سازد.^۲

دعوت به مبارزه با ظلم، تبعیض و بی عدالتی

مبارزه با ظلم، تبعیض و بی عدالتی مطابق با فطرت انسان هاست. البته اگر انسانی آمیخته و آلوده به موانع شناخت حق باشد، به دلیل اینکه حجاب‌هایی بر روی فطرتش قرار می گیرد، ممکن است با این اصل انسانی به مقابله برخیزد. با این حال، همه‌ی انسان‌های خداجو و حق طلب و عدالت خواه، بر اصل مبارزه با ظلم و ستم و بی عدالتی اتفاق نظر دارند که این خود یکی از عوامل مهم وحدت و یکپارچگی آن هاست. بر این اساس خداوند بر عدالت طلبی تأکید نموده و فرموده است: **يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ لِلَّهِ شُهَدَاءَ بِالْقِسْطِ وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَاَنُ قَوْمٍ عَلَىٰ أَلَّا تَعْدِلُوا اعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ**^۳؛ «ای کسانی که ایمان آورده اید برای خدا به داد برخیزید [و] به عدالت شهادت دهید و البته نباید دشمنی گروهی شما را بر آن دارد که عدالت نکنید عدالت کنید که آن به تقوا نزدیکتر است و از خدا پروا دارید که خدا به آنچه انجام می دهید آگاه است» و فرموده است: **﴿وَلَا تَقْرَبُوا مَالَ الْيَتِيمِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ حَتَّىٰ يَبْلُغَ أَشُدَّهُ وَأَوْفُوا الْكَيْلَ وَالْمِيزَانَ بِالْقِسْطِ لَا نُكَلِّفُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا وَإِذَا قُلْتُمْ فَاعْدِلُوا وَلَوْ كَانَ ذَا قُرْبَىٰ وَبِعَهْدِ اللَّهِ أَوْفُوا**

۱. بازگشت به اسلام، ص ۷۹

۲. در این باره، نگاه کنید به: مقاله‌ی «جهان اسلام؛ در تکاپوی راه نجات» نوشته‌ی سید صادق پورمحمدی.

۳. المائدة / ۸

ذَلِكُمْ وَصَّاكُمْ بِهِ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ^۱؛ «و به مال یتیم جز به نحوی هر چه نیکوتر نزدیک شوید تا به حد رشد خود برسد و پیمانانه و ترازو را به عدالت تمام پیمایید؛ هیچ کس را جز به قدر توانش تکلیف نمی کنیم و چون [به داوری یا شهادت] سخن گویند، دادگری کنید هر چند [در باره] خویشاوند [شما] باشد و به پیمان خدا وفا کنید اینهاست که [خدا] شما را به آن سفارش کرده است باشد که پند گیرید».

نهیض بازگشت به اسلام به دلیل اعتقاد به مبانی اصیل اسلامی، مبارزه با ظلم و بی عدالتی را سرلوحه‌ی کار خود قرار داده است. حضرت علامه منصور هاشمی خراسانی در کتاب شریف بازگشت به اسلام بر جایز نبودن تقلید از ظالمان و عدم وجوب اطاعت از حاکمان ظالم تأکید نموده و در مورد تبعات شوم اطاعت از حاکمان ظالم هشدار داده است.^۲

دعوت به کسب علم و دانش

دعوت به سوی آگاهی و فراگیری علم و دانش آن هم از روی یقین یکی از عوامل مهم جهانی سازی است. در اسلام خالص و کامل تأکید بسیار زیادی برای کسب دانش وجود دارد. انسان‌ها به شکل فطری کمال طلب هستند و دوست دارند بر دانش و اطلاعات خود بیفزایند. بی شک اگر این کسب دانش مبتنی بر یقینات و بدیهیات و مسلمات و مبتنی بر عقل سلیم باشد خود به خود سبب وحدت و هم افزایی بین مردم خواهد شد.

خداوند بزرگ در مورد اهمیت علم و دانش چنین می فرماید: **هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولُو الْأَلْبَابِ**^۳؛ «آیا کسانی که می دانند و کسانی که نمی دانند یکسانند؟ تنها خردمندانند که پندپذیرند» و در مورد اهمیت داشتن علم و دانش برای پذیرفتن مسئولیت‌های سنگین و اینکه داشتن علم نشان دهنده فضیلت است می فرماید: **وَلَقَدْ آتَيْنَا دَاوُودَ وَسُلَيْمَانَ عِلْمًا وَقَالَا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي فَضَّلَنَا عَلَى كَثِيرٍ مِّنْ عِبَادِهِ الْمُؤْمِنِينَ**^۴؛ «و به راستی به داوود و سلیمان دانشی عطا کردیم و آن دو گفتند ستایش خدایی را که ما را بر بسیاری از بندگان

۱. الأنعام / ۱۵۲

۲. بازگشت به اسلام، ص ۵۸ تا ۶۳

۳. الزمر / ۹

۴. التمل / ۱۵

با ایمانش برتری داده است» و در مورد دعا و تلاش عملی برای کسب علم فرموده است: «وَقُلْ رَبِّ زِدْنِي عِلْمًا»؛ «و بگو پروردگارا! بر دانشم بیفزای»

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نیز در مورد اهمیت کسب علم و دانش چنین فرموده است: «طَلَبُ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ»؛ «طلب علم بر هر مسلمانی واجب است».

حضرت علامه منصور هاشمی خراسانی نیز در مورد اهمیت کسب علم می فرماید:

«ای مردم! بدانید که هیچ سرمایه‌ای برای شما سودمندتر از دانایی نیست و مردم یکی از سه کس هستند: کسی که می‌داند، کسی که در صدد دانستن است و کسی که کسی نیست.»^۲

و می‌فرماید:

«به خدا سوگند، شما را از «شناختن» گزیری نیست و کار شما جز با «دانستن» راست نمی‌آید. هم‌اینک، «شناخت» مانند فرشته‌ای شما را به سوی خود فرا می‌خواند و «دانستن» مانند پیامبری شما را به سوی خود دعوت می‌کند. در کوچه‌های شما فریاد می‌زند و بر پشت بام‌هاتان ندا می‌دهد که «ای بی‌خبران! شام بی‌خبری پشت نموده و صبح آگاهی بر دمیده است. اینک بیدار شوید و به سوی من بشتابید و چیزی شما را از من باز ندارد! چراکه من برای شما از نان شب واجب‌تر و از کسب و کار و خانواده سودمندترم. من تنها کسی هستم که با شما می‌ماند و در دنیا و آخرت از شما جدا نمی‌شود. اموال شما از بین می‌روند، همسرانتان می‌میرند و فرزندان‌تان جدا می‌شوند، اما من هیچ‌گاه از بین نمی‌روم و هیچ‌گاه نمی‌میرم و هیچ‌گاه از شما جدا نمی‌شوم. بل شما را مانند خود حفظ می‌کنم و همراه خود به جاودانگی می‌رسانم. اگر من با شما باشم چیزی به شما زیان نخواهد رساند و اگر من با شما نباشم چیزی به شما سود نخواهد رساند. پس کدامین بازدارنده شما را از من باز می‌دارد و کدامین بی‌نیاز کننده شما را از من بی‌نیاز می‌کند؟!» این‌گونه «شناخت» شما را به

۱. طه/ ۱۱۴

۲. گفتار ۱۴

سوی خود فرامی خواند و این چنین «دانستن» شما را به سوی خود دعوت می‌کند. پس ندای او را بشنوید و دعوت او را اجابت کنید! ... «معرفت» صاحب خود را یاری می‌کند و «علم» دوست خود را نجات می‌دهد. این دو برای شما مانند آب برای تشنه و غذا برای گرسنه و راهنما برای گمشده و مونس برای تنهائید. این دو پشتیبان شما و عصای دستتانند. این دو درمان دردهای شما و مرهم زخم‌هاتانند. این دو کلید درهای بسته و دروازه‌های خوشبختی شمایند. این دو سرمایه‌ی شما در روز نداری و دست‌گیر شما در روز افتادگی‌اند. ... پس به این دو روی آورید و هیچ چیز شما را از این دو باز ندارد!^۱

همچنین در یکی از سی توصیه‌ی اخلاقی به یکی یارانشان چنین می‌فرماید:

«مطالعه کن؛ چرا که هنوز چیزهای بسیاری هست که نمی‌دانی.»^۲

دعوت مسلمانان به همگرایی و اتحاد پایدار

آرمان بلند این عالم بصیر و فرزانه، اتحاد استراتژیک کشورهای اسلامی بر محور ایدئولوژی اسلامی است که می‌تواند افاق‌های تازه و امیدبخشی را پیش روی جهان اسلام پدیدار نماید. در این راستا می‌توان به طرح انقلابی و بزرگ حضرت علامه برای تشکیل اتحادیه‌ی کشورهای اسلامی برای گذار به مرحله‌ی تشکیل حکومت واحد اسلامی با حاکمیت امام مهدی علیه السلام اشاره کرد. توضیح آنکه ایشان در کتاب شریف «بازگشت به اسلام» قطع وابستگی به کافران و دست‌یابی به استقلال فرهنگی و اقتصادی را برای مسلمانان یک اولویت بسیار فوری و ضروری می‌شمارد و راهکار بنیادین و دراز مدّت آن را برداشتن مرزهای ساختگی و تشکیل یک کشور پهناور اسلامی زیر پرچم گماشته‌ی خداوند می‌شمارد، اما با عنایت به دشوار و زمان بر بودن این کار، راهکار جامع، کاربردی و کوتاه‌تری را برای گذار از وضعیت کنونی به آن وضعیت آرمانی معرفی می‌کند و آن «ایجاد یک اتحادیه از کشورهای اسلامی با پول و ارتش واحد، به عنوان مقدمه‌ای برای ایجاد حکومت واحد اسلامی» است. به نظر ایشان «عملی‌تر به نظر می‌رسد که در وهله‌ی نخست، یک اتحادیه‌ی بزرگ نظیر اتحادیه‌ی اروپا، با عضویت همه‌ی کشورهای اسلامی و با احداث مرزهای آزاد

۱. نامه‌ی ۳

۲. نامه‌ی ۱۶

و پول و ارتش مشترک، ایجاد شود و در وهله‌ی بعد، اتحادی عمیق‌تر در قالب یک دولت فراگیر اسلامی و بر پایه‌ی پیروی از خلیفه‌ی خداوند در زمین، میان آنان ایجاد شود. این به طور حتم راه رستگاری مسلمانان و رسیدن آنان به سعادت دنیا و آخرت است.»^۱

دعوت به مهدویت و زمینه‌سازی برای ظهور امام مهدی علیه السلام

اعتقاد به منجی موعود مورد پذیرش همه‌ی ادیان و مذاهب و ملت‌هاست. این اصل اساسی در اسلام نیز علی‌رغم وجود برخی اختلافات مورد پذیرش همه‌ی مذاهب اسلامی است؛ چنانکه در مورد آخرین خلیفه‌ی رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم یعنی امام مهدی علیه السلام نوعی وحدت نظر وجود دارد که در آخر الزمان قیام می‌نماید و زمین را پر از عدل و داد می‌کند؛ چنانکه پر از ظلم و جور شده است و این وعده‌ی حقی است که توسط خداوند داده شده چنان که می‌فرماید:

﴿وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ﴾^۲؛

«خدا به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده اند وعده داده است که حتماً آنان را در این سرزمین جانشین [خود] قرار دهد همان گونه که کسانی را که پیش از آنان بودند جانشین [خود] قرار داد و آن دینی را که برایشان پسندیده است به سودشان مستقر کند و بیمشان را به ایمنی مبدل گرداند [تا] مرا عبادت کنند و چیزی را با من شریک نگردانند و هر کس پس از آن به کفر گراید آنانند که نافرمانند.»

و رسول خدا (ص) نیز به ظهور امام مهدی علیه السلام در آخر الزمان بشارت داده و فرموده است:

«اگر از عمر دنیا جز یک روز باقی نماند، خدا مردی از ما را می‌فرستد که دنیا را پر از عدل و داد نماید، همان طور که پر از ظلم و جور شده باشد.»^۳

۱. بازگشت به اسلام، ص ۱۴۶. همچنین نگاه کنید به: مقاله‌ی «اتحادیه‌ی کشورهای اسلامی؛ طرحی استراتژیک برای خروج جهان اسلام از بن‌بست»، نوشته‌ی احمد حسن زاده.

۲. النور/ ۵۵

۳. مسند أحمد، ج ۱، ص ۹۹

حضرت علامه منصور هاشمی خراسانی در کتاب شریف بازگشت به اسلام در مورد جایگاه امام مهدی و عدم ظاهر بودن ایشان و ضرورت تلاش برای زمینه‌سازی جهت ظهور ایشان توضیحات مفصلی را ارائه نموده‌اند.^۱

ایشان در زمینه‌ی اهمیت زمینه‌سازی برای ظهور امام مهدی علیه السلام چنین می‌فرماید:

«دنیای شما جز با عدالت اصلاح نمی‌شود و آخرت شما جز با عدالت سامان نمی‌پذیرد و عدالت جز با حکومت مهدی امکان نمی‌یابد و حکومت مهدی جز با همیاری شما شکل نمی‌گیرد، ولی بیشتر شما نمی‌دانید!»^۲

امام مهدی علیه السلام به دلیل داشتن مقام عصمت و طهارت و به دلیل اینکه منصوب از جانب خداوند است؛ چنانچه در مرکز امور قرار بگیرد، سبب وحدت و یکپارچگی مردم خواهد شد و هر کسی را که شایسته‌تر است در مقام و جایگاه خود قرار می‌دهد و لذا زمین را از عدالت لبریز خواهد نمود. منظور از شایستگی داشتن دانش، تعهد و توانایی‌های لازم است. امام مهدی علیه السلام به دلیل اینکه توسط خداوند هدایت شده است به تمامی امور لازم برای اداره‌ی دنیا و آخرت مردم آگاه است و لذا دعوت به ایشان خود بزرگ‌ترین عامل وحدت ملت‌هاست. حضرت علامه خراسانی در مورد علت مهدی نامیده شده حضرت امام مهدی علیه السلام چنین می‌فرماید:

«برای اینکه خداوند او را به چیزی هدایت می‌کند که احدی از جهانیان را به آن هدایت نکرده است و اگر حق به اندازه‌ی دانه‌ی خردلی باشد، پس در صخره‌ای یا در آسمان‌ها یا در زمین باشد، خداوند او را به آن هدایت می‌کند، هرآینه خداوند باریک‌بینی آگاه است.»^۳

بنابراین با حاکمیت امام مهدی علیه السلام از آنجایی که هر فردی در جایگاهی قرار می‌گیرد که برای آن شایستگی دارد لذا بین افراد هم‌افزایی به وجود می‌آید و لذا رشد سریعی از نظر کیفی و کمی در ابعاد سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی پدید خواهد آمد. حضرت علامه خراسانی در مورد شایسته‌سالاری در حکومت امام مهدی علیه السلام چنین می‌فرماید:

۱. بازگشت به اسلام، ص ۲۳۴ تا ۲۵۳

۲. نامه‌ی ۱۴

۳. گفتار ۷

«هرآینه مهدی هنگامی که بیاید هیچ کس را وا نمی‌گذارد مگر اینکه او را به کاری که شایستگی اش را دارد می‌گمارد، پس گویا من مردی را می‌بینم که در خانه‌ی خود خوابیده است و نزد مردم جایگاهی ندارد و به او اعتنایی نمی‌کنند، پس کسی به نزد او می‌آید و به او می‌گوید: امام تو را فرا می‌خواند، پس مرد تعجب می‌کند و می‌گوید: شاید اشتباه گرفته‌ای! پس چون به نزد مهدی می‌آید به او می‌فرماید: تو را حاکم فلان سرزمین قرار دادم!»^۱

حاصل آنکه نهضت بازگشت به اسلام با اتکاء به اسلام خالص و کامل مبتنی بر مسلمات و یقینیات و بدیهیات اسلامی و با تکیه بر توحید در تمام وجوه آن یعنی تکوین، تشریح و تحکیم و دعوت به عقل‌گرایی و کسب علم و دانش و پرهیز از جهل، تقلید، تعصب، تکبر و خرافه‌گرایی از یک سو و قوم‌گرایی، مذهب‌گرایی و نژادپرستی از سوی دیگر و زمینه‌سازی برای ظهور آخرین جانشین رسول مکرّم اسلام یعنی امام مهدی علیه السلام در تلاش برای جهانی‌سازی و وحدت و همگرایی در بین همه‌ی آزادی‌خواهان و عدالت‌طلبان جهان است و به حول و قوه‌ی الهی در آینده‌ای نه چندان دور به آرمان نهایی خود خواهد رسید ان شاء الله.

دیدگاه‌های دیگر از این نویسنده:

۲. مقاله‌ی «سازمان الهی و سازمان شیطانی؛ تشکیلات و اهداف»
۱. مقاله‌ی «تفکر سیستمی در مکتب علامه منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی»



۱. گفتار ۱۲۷

پایگاه اطلاع‌رسانی منتصو به‌شاه‌خیرالدین حفظه الله تعالی



* لطفاً بر روی لینک مورد نظر خود کلیک کنید.